

را خم کرده و به قولی مردم زبر چرخ‌های توسعه صنایع له شدند. کارشناسان بر این باورند که اجرای شتابان سیاست‌های تعدیل اقتصادی و آزادسازی‌های صورت گرفته موجب شد تا نرخ تورم افزایش یابد و در قالب یک سبیر صعودی به ۴۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید و به این ترتیب، دولت سازندگی بیشترین نرخ تورم اقتصاد ایران را به نام خود ثبت کرد.

انتقاد دیگری که به دولت هاشمی وارد می‌شد این بود که روند خصوصی سازی در این دولت به خوبی طی نشده و نتیجه این اقدامات در واقع اختصاصی سازی بوده است. با این حال باید این واقعیت را مدنظر قرار داد که عزم دولت برای خصوصی سازی بسیار جدی بود کمالینکه آقای هاشمی بارها نسبت به اجرای کند روند خصوصی سازی اعتراض کرده بودند و هر لحظه تاخیر را متضمن خسارت‌های بزرگ به کشور توصیف می‌کرد. دولت تکنوکرات هاشمی در واقع بستر ساز به قدرت رسیدن دولت خاتمی بود که توسعه سیاسی را در اولویت کاری خود قرار داده بود.

آغاز یک افتراق

پایان دوره ریاست جمهوری هاشمی و ریاست وی بر مجمع تشخیص مصلحت نظام، موجب اعتراض اصلاح طلبان شد. در دوره‌های قبل ریاست جمهوری، ریاست مجمع را بر عهده داشت همچنانکه آقای خامنه‌ای در زمان تاسیس مجمع در سال ۶۶ تا سال ۶۸ و آقای هاشمی از سال ۶۸ تا ۷۶ رئیس مجمع تشخیص شدند. با این حال این اعتراض به جایی نرسید، اما کدورتی جزئی را ایجاد کرد. به نظر می‌رسید که در این مقطع زمانی مجمع تشخیص، کار کرد دیگری برای خود تعریف کرده است. حتی برخی از تحلیلگران این نظریه را ارائه دادند که هدف هاشمی این بوده که ناطق نوری رئیس جمهور شود. کدورت جزئی بین هاشمی و اصلاح طلبان، در دوران خاتمی به اوج خود رسید. حملات برخی از حامیان خاتمی به هاشمی و دولت وی موجب شد که هاشمی فاصله خود را با جریان اصلاحات بیشتر کند. این حملات به گونه‌ای بود که همه روزنامه‌های اصلاح طلب مطالبی انتقادی علیه هاشمی می‌نوشتند. شرایط به سمتی پیش رفت که آقای هاشمی را در لیست انتخاباتی تهران قرار ندادند و همین موجب شد تا هاشمی در انتخابات مجلس ششم، سی ام شود. هر چند با بازشماری صورت گرفته، آقای هاشمی به جایگاه بیستم تهران صعود کرد، اما در نهایت تصمیم به انصراف گرفت. با این حال آقای هاشمی در جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام به فعالیت ادامه داد. دوره آقای خاتمی خیلی زود به پایان رسید. این بار وقت آن فرا رسیده بود که کاندیدایی برای انتخابات ریاست جمهوری وارد میدان شود. جریان اصلاحات در این میان به سه شاخه تقسیم شد. یک گروه حامیان معین، یک گروه حامیان مهدی کروبی، یک گروه حامیان مهرعلیزاده و در طیف مقابل محسن رضایی، علی لاریجانی، محمد باقر قالیباف و محمود احمدی نژاد حضور داشتند که محسن رضایی شب قبل از برگزاری انتخابات، انصراف خود را اعلام کرد. در کنار همه این اسامی نام رئیس جمهور سابق یعنی هاشمی رفسنجانی مشاهده می‌شد. عقل سلیم حکم می‌کرد که اصلاح طلبان در برابر جریان اصولگرا، وحدت خود را حفظ کنند. با این حال دلخوری‌ها مانع از این شد تا درایت لازم اعمال شود. اصلاح طلبان همچنان با تعداد زیادی کاندیدا در عرصه انتخابات حضور پیدا کردند.

عدم پذیرش اتحاد از سوی اصلاح طلبان موجب شد تا آرا شکسته شود. در چنین شرایطی هاشمی و احمدی نژاد به دور دوم راه یافتند. البته جریان اصلاحات در صدد برآمد تا کوتاهی صورت گرفته را جبران کند اما این رویکرد یعنی حمایت از اصلاح طلبان از هاشمی بی نتیجه ماند و شهردار تهران در کمال شگفتی وارد پاستور شد. این مقطع زمانی را می‌توان مقطعی تاریخی دانست که فاصله اصلاح طلبان با هاشمی اندکی کمتر شد و از حجم دلخوری‌های گذشته کمی کاسته شد.

هر چند افتراق طولانی اصلاح طلبان با هاشمی بستر ساز به قدرت رسیدن فردی تندرو چون محمود احمدی نژاد شهردار سابق تهران شد اما لازم است تا این نکته مدنظر قرار داده شود که هاشمی در این زمان، فاصله خود را با مردم کاهش داد و تلاش کرد تا همدلی بیشتری با جریانات سیاسی از خود نشان بدهد. به همین دلیل کارشناسان بر این باورند که نتیجه انتخابات دور اول ریاست جمهوری موجب شد تا نوع نگرش فعالان سیاسی و کنشگران عرصه سیاست، تغییرات اساسی را تجربه کند.

دوره احمدی نژاد

در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد عرصه بر بسیاری از فعالان سیاسی تنگ شد. اظهارات فضایی احمدی نژاد و عملکرد اشتباه وی در مدیریت کشور موجب شد تا مردم خیلی زود به اشتباه خود پی ببرند که چرا به هاشمی رای ندادند و تحت تاثیر اظهارات پوپولیستی احمدی نژاد قرار گرفتند. البته این اشتباه قابلیت جبران نداشت و مردم مجبور بودند تا سال ۸۸ و انتخاباتی دیگر صبر کنند. مردم تصمیم گرفتند تا در انتخابات ۸۸ عاقلانه رای بدهند تا این بار

فردی مدیر و مدبر در راس قوه مجریه قرار بگیرد. انتخابات ۸۸ با شور و صف ناپذیر مردم برای تک دوره‌ای کردن احمدی نژاد، برگزار شد. در جریان مناظرات انتخاباتی و زمانی که محمود احمدی نژاد در برابر میر حسین موسوی قرار گرفته بود. ناگهان از فساد گسترده خانواده هاشمی سخن راند. بیان این سخنان از صدا و سیما موجب اعتراض هاشمی شد و هاشمی نامه‌ای تاریخی را به مقام معظم رهبری نوشت. طرح این سخنان از صدا و سیما که آن روزها به شدت رسانه میلی نام گرفته بود، جایگاه هاشمی را بیش از گذشته ارتقا داد و برای مردم تردیدی باقی نگذاشت که باید مهر پایانی بر حضور احمدی نژاد بزنند. پایان برگزاری انتخابات، نحوه بازشماری آرا و در نهایت انتخاب مجدد رئیس جمهور مستقر موجب شد تا اعتراض‌های گسترده‌ای به نتایج انتخابات صورت بگیرد. نحوه برخورد با معترضان موجب شد تا بار دیگر هاشمی به رسالت تاریخی خود عمل کند و در خطبه تاریخی خود در نماز جمعه از نحوه برخورد با مردم و نیروهای انقلابی گلایه کند. بیان این سخنان اما موجب شد تا هاشمی دیگر مجال سخنرانی در نماز جمعه تهران را پیدا نکند. خرداد ۸۸ حضور سی ساله هاشمی در قامت امام جمعه تهران پایان یافت. اما هاشمی باور نداشت که این سخنان در واقع آغازگر روند تخریب گسترده وی باشد که هفت سال به طول انجامید. هاشمی در این دوران به دلیل همراهی با مردم و دلجویی از آنها با نام ساکت فتنه و ... لقب داده شد. اگر تا دیروز برخی از تندوهای اصلاح طلب وی را آماج حملات خود قرار داده بودند. این بار نوبت تندوهای اصولگرا بود که از فحاشی به هاشمی برای خود کاسی راه بیاندازند. با این حال واکنش هاشمی در برابر این همه نامهربانی، تنها «صبر» بود. هر چقدر شدت حملات به هاشمی افزایش می‌یافت او ارج و قرب بیشتری نزد مردم پیدا می‌کرد. هاشمی که همزمان با ریاست مجمع تشخیص، ریاست مجلس خبرگان را بر عهده داشت به شدت مغضوب برخی از نهادهای حکومتی قرار گرفت همچنانکه دولت در یک اقدام غیرقانونی، فرهاد دانشجو را به عنوان رئیس اعلام و به هیات موسس دانشگاه آزاد تحمیل کرد. از سوی دیگر مهدی هاشمی و فائزه هاشمی هم با محکومیت‌های سیاسی راهی زندان شدند.

رد صلاحیت

هاشمی در سال ۹۲ بنا بر احساس وظیفه تاریخی خود با توجه به اینکه کشور در شرایط خاصی قرار داشت و تهدیدات زیادی متوجه کشور شده بود، تصمیم گرفت تا در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شود. تصمیم شورای نگهبان شوک بزرگی را به جامعه وارد کرد. هاشمی ۷۹ ساله به دلیل آنچه که کهولت سن اعلام شد رد صلاحیت شد. در این شرایط، هاشمی اعتراضی نکرد اما در یک اقدام بی نظیر با همراهی سید محمد خاتمی از حسن روحانی حمایت کرد و همزمان محمد رضا عارف استعفا داد تا مبادا اتفاق سال ۸۴ بار دیگر تکرار شود. این اقدام بی نظیر موجب شد تا روحانی در دور اول انتخابات ریاست جمهوری ۱۸ میلیون رای آورده و با رای قاطع وارد پاستور شود. با وجود اینکه پاستور دیگر شاهد حضور افراد تندرو نبود اما هنوز فریادهای نمایندگان تندرویی که تلاش داشتند چوب لای چرخ دولت بگذارند، در مجلس شنیده می‌شد. ضرورت تغییر چهره مجلس در اسفند ۹۴ موجب شد تا هاشمی در کنار خاتمی بار دیگر لیستی را برای انتخابات تهران ارائه کنند که مجلس دهم، مجلس تندرو نباشد و افراد معقولی در آن به کسوت نمایندگی درآیند.

باور نتایج این انتخابات برای بسیاری از فعالان سیاسی بسیار سخت بود. کسانی که روزگاری در قامت رئیس قوه مقننه حضور داشتند یا سال‌ها سابقه حضور در مجلس را داشتند، ناچار شدند عرصه را به افرادی ناشناخته واگذار کنند و تمام سسی نفر تهران از لیست مورد حمایت هاشمی و خاتمی بود. حضور فردی معقول در راس قوه مجریه و شکل گیری مجلسی در خور ملت ایران موجب شد تا هاشمی این سخن را در مراسم رونمایی از کتاب زندگی و زمانه خود بگوید: «حالا که مملکت به اینجا رسیده و مردم به این سطح از آگاهی رسیده اند، الحمدلله می‌توانم راحت سسر بر بالین مرگ بگذارم». اما زمانی که هاشمی این سخن را در اردیبهشت ماه سال ۹۵ عنوان کرد کمتر کسی این تصور را داشت که سال ۹۵ آخرین سالی است که هاشمی در میان ملت است.

میراث آیت اله

هاشمی را می‌توان سیاستمداری از جنس مردم دانست. او هم مانند بسیاری در کارنامه خود اشتباهاتی را به ثبت رسانده است اما خیلی زود در مقام جبران آمد و رابطه خود را با مردم مستحکم کرد. همین عامل موجب شده که همواره از او به نیکی یاد شود. اما یادگار او که همانا تاکید بر رویکرد اعتدال است در بین مردم به فرهنگ تبدیل شده و مطالبه جدی مردم از سیاستمداران است که این ارزشمندترین میراثی است که برجای مانده است.

